

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۴۰ - ۲۲۱

بررسی ارتباط خدا و انسان در مصیبت نامه عطار و هفت اورنگ جامی

زهرا قزلسفلی^۱

اکبر شعبانی^۲

محمد فاضلی^۳

چکیده

انسان، خدا و رابطه ی متقابل آن ها با هم یکی از موضوعات بسیار بنیادی در ادبیات عرفانی است. شاعران عارف به عنوان دارندگان روح لطیف و حساس الهی در میان ابیات خود، ارتباط خدا و انسان را به شکل نغز و دلنشین گنجانده اند که از عمیق ترین فرازهای آثارشان شده است. این پژوهش به صورت کتابخانه ای و به شیوه ای تطبیقی ارتباط خدا با انسان را در مصیبت نامه عطار نیشابوری و دیوان جامی مورد بررسی قرار داده است. هدف از این پژوهش بررسی ارتباط خدا با انسان بر اساس اصول اولیه انسانی یاوری، هدایت و عشق انجام شده است که نشان می دهد ارتباط خدا و انسان از دغدغه های مهم این دو عارف بوده و آنان راه ها و عوامل مختلفی برای تحقق آن ارائه داده اند؛ مهمترین نتایج به دست آمده از این پژوهش عبارت اند از این که آثار عطار و جامی سرشار از نمود ارتباط خدا و انسان است و این ارتباط گاه از زبان شاعر و گاه از زبان شخصیت های داستانی نقل می شود. بی پروایی و جسارت و صمیمیتی که در اشعار این دو وجود دارد به ابیات آنها عمق خاصی بخشیده که به خواننده احساس لطافت و اوج بندگی دست می دهد ضمن اینکه رابطه عاشقانه پروردگار عالیتترین نوع رابطه بوده است.

واژگان کلیدی

ارتباط، خدا، انسان، عطار، جامی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
Email: Zghezelsofla1986@gmail.com
۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Shabany_akbar@yahoo.com
۳. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
M.fazeli@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۳

طرح مسأله

رابطه خدا و انسان در آثار نویسندگان و شاعران جایگاه ویژه‌ای دارد شهید مطهری معتقد است، «در اسلام همه چیز بر محور خدا دور میزند چه از نظر هدف بعثت انبیاء و چه از نظر هدف زندگی یک فرد... که مردم دعوت شده‌اند تا با خدا آشنا بشوند و پیغمبران حلقه اتصال اند میان مخلوق و خالق و رابط آیندواند» (مطهری، ۱۳۵۱، ص ۱۳-۱۲).

یونگ نیز در کتاب «روان‌شناسی و دین» به نوعی به این ارتباط اشاره می‌کند: «وقتی که گیلگامش در حماسه‌ی بابلی، با کبر و غرور فراوان خود، خدایان را احضار می‌کند، خدایان هم مردی را که از لحاظ نیرو با گیلگامش، برابری می‌کند، ابداع و خلق می‌کنند تا بدینوسیله به جاه طلبی کفرآلود این قهرمان پایان بدهند» (یونگ، ۱۳۷۰، ص ۲۵) همچنین جیمز در کتاب «دین و روان» نیز بر این باور است: «مردم مذهبی بطور کلی قبول دارند که هر واقعه و امری که به زندگی آنها ارتباط دارد، به نظرشان انعکاسی از مشیت الهی است» (جیمز، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸).

«دستگاه بزرگی که همه نیروهای جهان و بل همه جهان نیرو ماده از اوست، آن دستگاهی که بشر آنرا گاهی بنام، دستگاه آفرینش، زمانی با اسم قوه‌ای ماوراء الطبیعه، عالم غیب دستگاه الوهیت، خدا می‌نامد؛ اگر کسی با آن آشنا شد، با آن ارتباط پیدا کرد، با آن معامله ایجاد نمود و از آن بهره‌مند شد، محال است که دیگر نیروئی، قدرتی، مقامی چیزهای دیگر او را بخود جلب کنند» (همان، ۱۳۸۷، ص الف)

محمدی ری شهری بر این باور است، «اگر دیده‌انسان حجاب نداشته باشد و موانع شناختهای عقلی و قلبی جلو دیده‌عقل و قلب را مسدود نکرده باشند، او به هر چیز که بنگرد خدا را مشاهده می‌کند. در آئینه زمین، کوه، صحرا، دریا، درختان و در همه چیز، دیده‌بنا خدا را می‌بیند» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ص ۸۳).

شاعران پارسی زبان نیز به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته‌اند به عنوان نمونه عطار، حافظ و مولانا در آثارشان بارها به این ارتباط اشاره کرده‌اند.

مولانا اول و آخر جهان را پروردگار دانسته و بر این اعتقاد است که خدا از طریق

همه ذرات هستی با انسان در ارتباط است:

ای ده‌سندۀ عقل‌ها فریاد رس تا نخواهی تو نخواهد هیچ کس
هم طلب از تست هم آن نیکویی ما کی ایم، اول تویی، آخر تویی
(مولوی، ۱۳۷۹: ۱۴۴۰/۶-۱۴۳۸)

عطار در مصیبت نامه خود به خوبی به این ارتباط اشاره می‌کند:

گفت: پیشت آمدم ای رهنمای تا بگویم من که می گوید خدای
تو چه بد دیدی زما زین جایگاه جسته ای از ما بغیر ما پناه؟...
در عتاب اینت اگر من چند سال حبس نکنم، نه خدای ذو الجلال!
(مصیبت نامه، بخش ۳۷)

اهداف تحقیق

رابطه ی انسان و خدا به عنوان یکی از محورهای مورد بحث در میان شاعران و نویسندگان بوده و تنها تفاوت موجود جهان بینی آنها مربوط به نقش و تاثیری که برای خدا و انسان در نظام هستی قائل اند، است.

هدف از انجام این تحقیق بررسی تطبیقی نمود ارتباط خدا و انسان از دیدگاه عطار و جامی بوده است تا بتوان با فهم و درک عمیق آن زمینه روابط معنوی را فرا روی بشر قرار داد تا با تمسک به آن قله های کمالات معنوی را فتح نموده و از گرداب های هولناک پوچ گرایی در امان مانده و با آگاهی به ارتباط خالق با او به مقابله با مشکلاتش برآید و از آنجا که شاعران ادب فارسی نگاه ویژه ای به این موضوع دارند برای پژوهنده نیز این موضوع همواره پر از جذبه بوده است که بدانند از نگاه عطار و جامی چه نوع ارتباطی برای خدا و انسان در نظر گرفته شده است و بی گمان هر اندازه ابعاد دیدگاه عارفان در این موضوع مشخص شود برای جامعه انسانی سودمند تر خواهد بود و راه را برای انسان هایی که از حقیقت خود و خدا فاصله گرفته اند هموار می سازد.

سوالات تحقیق

هر پژوهشی در پی پاسخ دادن به سؤالات و فرضیات تحقیق پدید می آید که با جمع آوری مطالب و توصیف و تحلیل آنها درصدد پاسخ‌دهی به آنها است. در این جستار سؤالاتی پیرامون موضوع مطرح شده که عبارت‌اند از:

- رابطه میان خدا و انسان از دیدگاه عطار و جامی چگونه است؟
- اصلی‌ترین راه ارتباط پروردگار، در آثار دو شاعر کدام است؟
- خدای مورد اعتقاد دو عارف مورد مقایسه از چه وجوه و جنبه‌هایی برخوردار است؟
- انسان مطرح در آثار دو شاعر از چه جنبه و وجوهی مورد ارتباط قرار می‌گیرد؟

پیشینه تحقیق

تاکنون در خصوص رابطه‌ی خدا با جهان و انسان مقالات زیادی به چاپ رسیده است که در ضمن این تحقیقات به دیدگاه عارفان هم اشاره شده است؛ از جمله‌ی این مقالات می‌توان به رابطه‌ی خدا و انسان در ادبیات خداشناسی و عرفانی با تأکید بر آثار مولوی (۱۳۹۱)، خدای وحدت وجودی و تصاویر برآمده از آن در آثار منظوم عطار (۱۳۹۸)، الگوی ارتباط وحیانی (۱۳۹۱)، نقش ابعاد اصلی شخصیت در نوع ارتباط با خدا (۱۳۹۳)، من و تو (۱۳۷۸)، ارتباط غیر زبانی میان خدا و انسان از توشیهو کو ایزوتسو (۱۳۴۸)، رابطه بین انسان و خدا از دید مولانا (۱۳۹۶)، رابطه خدا با انسان؛ تمثیل، تجسد یا تجلی؟ (۱۳۹۱) و (Popp, Luborsky, Andrusyna, Cotsonis, & Seligman, 2002). اشاره نمود.

در این بین آنچه مشهود است، عدم بررسی ارتباط خدا و انسان از سوی محققان، در اشعار شاعرانی همچون عطار و جامی به صورت تطبیقی است. لذا این پژوهش به بررسی این موضوع با طرح سوال پژوهشی چگونگی ارتباط خدا و انسان از دیدگاه عطار و جامی، می‌پردازد.

روش پژوهش

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای به صورت توصیفی و تحلیل محتوایی است؛ بدین گونه که ابتدا با مطالعه اشعار این دو شاعر و سپس شروح آثارشان و استفاده از کتب و مجلات و نشریات و رساله‌های مطرح مرتبط با موضوع تحقیق در این زمینه استفاده شده است. مباحث موردنظر فیش برداری، سپس این فیش‌ها دسته‌بندی، به صورت موضوعی عنوان‌بندی و تجزیه و تحلیل شده که در نهایت به تدوین و نگارش مقاله پرداخته شد.

مبانی تحقیق

۱- مفهوم کلمه ارتباط، خدا و انسان

مفهوم ارتباط در نوشتار حاضر، نسبت هستی شناختی میان خدا و انسان از یک سو و پیوند ناگسستگی میان آن دو از سویی دیگر است. مارتین بوبر در کتاب «من و تو» رابطه بین خدا و انسان را این گونه توضیح می دهد:

«این مسئله که شما به خدا بیش از هر چیز دیگر نیاز دارید همیشه مشغولیت ذهن شماست ولی آیا به راستی پروردگار در سرشاری ابدی خود به شما نیازمند است؟ اگر خدا به انسان نیازمند نبود انسان چگونه می توانست به حیات خود ادامه دهد؟ شما برای بودن خود به خدا نیازمندید و خدا برای همه آنچه که مفهوم بودن شماست به شما نیازمند است... جهان ملعبه الهی نیست تقدیر الهی است... خلقت بر ما می گذرد. با ما یکی می شود ما را متحول و دگرگون می کند ما را شیفته و سرمست می سازد، آنگاه ما تسلیم می شویم در خلقت شرکت می کنیم با خلقت مواجه می شویم و خویشتن را به عنوان مددکار و همنشینان به او پیشکش می کنیم». (بوبر، ۱۳۹۸، ص ۱۳۱)

سروش در کتاب «سنت و سکولاریزم» به بررسی خدا پرداخته است، مفهوم خدا یکی از مهمترین مقوله های حیات آدمی است. آدمی در تمام موقعیت ها، چه در تنهایی و یا بطن زندگی اجتماعی و چه به عنوان یک دین دار یا ملحد همواره با این مفهوم همواره رو به رو بوده است. این مفهوم ریشه در تفکر بشری داشته و تمدن ها، فرهنگ ها و ادیان مختلف متأثر از مفهوم خدا در تاریخ بشر به صحنه ظهور رسیده اند. (سروش، ۱۳۸۱) تیورای نیز در کتاب «دین شناسی تطبیقی» به این مفهوم اشاره داشته است و می گوید: خدا در اسلام تنها آفریننده و نابودکننده همه پدیده هاست. خدا همه جا حاضر است و اگر چه ویژگی های انسانی چون شنوایی، بینایی و ... در توصیف او به کار می رود، نباید او را به شکل انسان تصور کرد. ازلی و ابدی و در حال آفرینش است. جهان را آفریده و همواره در حال تغییر نگه می دارد. حضور خدا در هر نقطه از جهان احساس می شود. خدا وجودی اسرارآمیز است که به واسطه پیامبران خود را به انسان ها می شناساند. داور همه خوبی ها و بدی هاست. (تیورای، ۱۳۸۱: ۱۸۳-۱۹۷).

توجه به انسان و مطالعه آن پدیده تازه‌ای نیست و تاریخی کهن دارد و از قدیم الایام مورد توجه مذاهب و مکاتب و فرهنگ‌های گوناگون بوده و کم‌تر عالم، ادیب، شاعر و عارفی را می‌توان یافت که به گونه‌ای به انسان نپرداخته باشد و با توجه به اینکه یک سوره از قرآن مجید یعنی سوره‌ی ۷۶ به نام انسان نامگذاری شده، انسان در اسلام نیز از منزلت والایی برخوردار است و «در آیات بسیاری از قرآن کریم خدا متعال شرف و منزلت انسان را بیان می‌کند. در آیاتی نیز انسان از جانب پروردگار تکریم شده است.» (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۳۰۶)

عطار در فصل بیست و هشتم مصیبت نامه به انسان یا آدمی پرداخته است. سالک فکرت در منزل بیست و هشتم سفر خود به نزد آدمی می‌رود و با او گفتگو می‌کند: هم کلام و رؤیت از حضرت تراست کن فکان در قبضه قدرت تراست (عطار، ۱۳۸۶: ۳۴۸)

۲- رابطه خدا با انسان

پروردگار با تمامی انسان‌ها در ارتباط است اما این ارتباط در مورد انسان‌های مختلف یکسان نیست بلکه به تناسب موقعیت و زمان هر فرد متفاوت است. این ارتباط و نظر ذات حق در اشعار عطار و جامی با آدمی یکسان نیست بلکه شرایط افراد در نوع ارتباط پروردگار با انسان نقش مستقیم دارد به طوری که ارتباط گاهی در قالب یآوری و یاری دهنده بودن خالق با انسان است و گاهی با عشق و گاهی خشم و یا از مجرای هدایت و بخشندگی، افراد مورد خطاب پروردگار قرار می‌گیرند.

۳- یآوری و یاری دهنده

یکی از مفاهیم یافت شده در آثار عطار و جامی در ارتباط بین خدا و انسان مفهوم یآوری پروردگار در این ارتباط است. یاری دهنده به معنای مساعد، کمک کننده، دستیار، پایمرد، مددکار است. این یافته با نتایج مطالعه‌ای که توسط Popp, Luborsky, Andrusyna, Cotsonis, & Seligman, 2002 انجام شد، همسو و مشابه است چرا که در آن مطالعه نیز مفهوم (Protective و Helpful) در ارتباط بین خدا و انسان، بود. پروردگار حامی مظلومان است و نمی‌گذارد که احدی حق آنان را پایمال کند. در

این تلقی پروردگار از راه های مختلفی زورگویان را به سزای اعمال بدشان می رساند و به خواسته های آرمانی مظلومان جامه عمل می پوشاند. وقتی انسان خود را از مقابله با امرا و حاکمان زورگو ناتوان می بیند و نمی تواند در مقابل آنان از حق خود دفاع کند، برای تسلی خاطر خودش هم که شده، دست به آفرینش چنین انگاره هایی می زند. نمونه این نوع انگاره ها را در آثار عطار و جامی می بینیم. حکایت هایی که در آنها خدا حتی پادشاهان قدرتمند را به سختی کیفر می دهد. نمونه دیگری از این نوع تلقی آرمانی را در حکایتی از مصیبت نامه می بینیم. در آنجا می خوانیم که روزی عبدالله طاهر هنگام بازگشت از شکار بر پلی می گذشت، ناگاه پیر زالی از گوشه ای بیرون جست تا نامه ای به دست وی بدهد. این کار پیرزن باعث شد که اسب عبدالله برمد و کلاه او از سرش بیفتد. عبدالله سخت عصبانی شد و از او پرسید: «که هستی و اینجا چه می کنی؟» پیرزن شکایت نامه ای به دستش داد و گفت که فرزندم در زندان تو اسیر است. ای امیر! لطف کن و او را از بند آزاد کن که از درد او جانم می سوزد و روزگرم سیاه شده است. به پیری و دل پر سوز من رحم کن! اما امیر که بسیار خشمگین بود، سوگند خورد که فرزندش را آزاد نخواهد کرد تا جانش در حبس بر آید. پیرزن با شنیدن این حرف آه و ناله اش به آسمان رفت و عبدالله را از پروردگاری ترساند که همه چیز به دست اوست و او بر هر کاری تواناست:

گر تو بر کاری خدا هم نیز هست	قادر و داننده هر چیز هست
من کنون با او گذارم کار خویش	تو برو، من نیز بردم بار خویش
تا در چون حق جهانداری بود	بدر در تو آمدن عاری بود
تن زدم، جان سوخته، رفتم ز جای	تا تو بهتر آیی اکنون یا خدای

(عطار، ۱۳۸۸: ۱۸)

حرف های پیر زن که نشان دهنده سوز درونش هم بود، عبدالله را بشدت تحت تأثیر قرار داد و احوالش را دگرگون کرد. سپس، در حالی که اشک خونین می بارید، سوگند خورد که تا پسر پیرزن را از زندان آزاد نکنند و در همان جا مقابل چشمش به او تحویل ندهند، از پل نخواهد گذشت؛ و سرانجام، پسر را آزاد کردند و به مادرش تحویل دادند.

عطار ادامه می دهد:

خلعتش بخشید و گفت آن سرفراز تا بگردانند در شهرش، بنماز
پس منادی می کنند از چپ و راست کاین طلیق الله، آزاد خداست
(عطار، ۱۳۸۶: ۱۱۸)

عطار، بعد از این ابیات می گوید که این کار علی رغم خواسته عبدالله و به خواست
پروردگار انجام شد. اگر صبر کنی، پروردگار را نیکوتر از شاهان خواهی یافت.

شخصی از حضرت علی (ع) پرسید: «آیا به غیر از قرآن وحی دیگری وجود دارد؟»،
حضرت پاسخ دادند که جز قرآن وحی دیگری نیست؛ ولی پروردگار به دوستان خود
فهمی همانند وحی داد تا با آن یاری شوند:

گفت وحی نیست جز قرآن و لیک دوستان را داد فهمی نیک نیک
تا بدان فهمی که همچون وحی خاست در کلام او سخن گویند راست
(عطار، ۱۳۸۶: ۵۷)

به حق آنکه دوستدار منی در همه کار و بار یار منی
(جامی، ۱۳۶۶: ۲۵۰)

لله و فی الله است یاری ما به غرض نیست دوستداری ما
(همان)

چه خوش وقتی و خرم روزگاری که یاری برخورد از وصل یاری
برافروزد چراغ آشنایی رهایی یابد از داغ جدایی
(همان)

بحمدالله که دولت یاریم کرد زمانه ترک جان آزاریم کرد
(همان)

۴- عشق

از جمله مفاهیم دیگری که در این جستار به آن پرداختیم عشق خدا نسبت به بندگان
خویش است. عشق به معنای «به حد افراط دوست داشتن، دوستی مفرط، محبت تام و شوق

مفرط است.» (معین، ۱۳۸۲: ۱۵۹۱) مفهوم اصلی عشق از خود گذشتن، دیگران را بر خود ترجیح دادن، ایثار و شاد کردن است.

یافته های این مطالعه با یافته های مطالعات (Kapogiannis, Barbey, Su, Krueger,) (et al. 2003; Kapogiannis, Barbey, Su, Zamboni, et al. 2009; Kendler & Grafman, 2009) همراستا و مشابه بود که در آن مطالعات نیز مفهوم (Love) در ارتباط بین خدا و انسان، بیان شده بود.

یونگ نیز در کتاب «روانشناسی و دین» معتقد است: «حقیقت عشق کمال قوانین است، زیرا شامل نجابت، نیکی، عدالت و ترحم است» (یونگ، ۱۳۷۰، ص ۱۶۴)

جیمز در کتاب «دین و روان» معتقد است: «ما باید خداوند را همانند پدری بدانیم که در آسمان با نگاهی محبت آمیز ما را می نگرد» (کوربت، ۱۳۹۳: ۱۱)

عشق تو رونق جهان بشکست عشق روی تو پشت جان بشکست
(عطار، ۱۳۸۶: ۵۶)

ما ز خرابیات عشق مست الست آمدم نام بلی چون بریم چون همه مست آمدم
(همان: ۴۹۵)

عطار به صورت مستقیم بیان می دارد که این عشق از ازل در صندوقچه ی دل ما به امانت گذاشته شده است و انسان قبل از آن که پا به عالم هستی بگذارد عاشق معشوق بوده است.

خواستم تا پیش جانان پیشکش جان آورم پیش دستی کرد عشق و جانم اندر بر بسوخت
(عطار، ۱۳۸۶: ۱۸)

پیشگاه عشق بسی بالاتر و والاتر از این است که کسی با اختیار آن را به دست بیاورد. عشق یک موهبت الهی است که به هر کس بخواهند عنایت می کنند. عرفا گاهی این موهبت را مقدم بر صورت هستی پذیرفتن انسان در عالم مادی می دانند و گاهی آن را قضای آسمانی می دانند که «هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی». احمد غزالی می گوید: «روح چون از عدم بوجود آمد بر سر حد وجود، عشق منتظر مرکب روح بود» (ارژنگ مدی، ۱۳۷۲: ۴۴)

عشق جز بخشش خدایی نیست این به سلطانی و گدایی نیست
(عطار، ۱۳۸۶: ۹۵/۱۲۵)

عشق و قفسست بر دل پر درد وقف در شرع ما بهایی نیست
(همان: ۱۲۵)

پروردگار انسان را بر اساس عشق آفرید و هیچ مخلوق دیگری جز آدم نمی تواند در
راه عشق جای پای پروردگار بگذارد:

عشق چون خاصیت انسان بود گرملک عاشق شود انس آن بود
(عطار، ۱۳۸۶: ۹۶)

جامی نیز در آثار منظوم خویش از میان همه مباحث عرفانی هر جا فرصت یافته، از
عشق تمجید نموده است. او عشق را موهبتی ازلی می داند که شرف آدمی وابسته بدان
است. به همین لحاظ، نگارنده معتقد است که شاید عشق از نظر جامی همان امانتی است
که انسان آن را پذیرفت و دیگران از قبولش امتناع ورزیدند. عشق است که باعث شد خدا
در وجود انسان چنان ظرفیتی ببیند که او را مظهر تمام اسما و صفات خویش گرداند. جامی
برای عشق جایگاهی ویژه قابل است و خمیر مایه ی حیات موجودات را از گوهر عشق
دانسته است:

چون صبح ازل ز عشق دم زد عشق آتش شوق در قلم زد
از لوح عدم قلم سر افراشت صد نقش بدیع بیکران کاشت
هستند افلاک زاده ی عشق ارکان به زمین فتاده عشق
(جامی، ۱۳۶۶: ۷۵۷)

افراد بسیاری مست جام عشق پروردگارند ولی گام اول عاشقی، با استناد به آیه ۵۴
سوره مائده از سوی خدا برداشته شده است:

گفت شیخا جماعتی هستند کهر جام هوای او مستند
اول او دوست داشت ایشان را بس به دل مهر کاشت ایشان را
نکننی فهم این سخن آلا که بخوانی فسوف یاتنی آلا

هـ بقوم یحییهم و یحیب بونه ای حییب گشته محیب
گر نه او دوستداردت ز نخست کی بود دوستداری تو درست؟
(جامی، ۱۳۶۶: ۲۵۰)

جامی معتقد است که عشق فیض الهی است که خاص انسان است نه فرشتگان:
ملایک را چه سود از حسن طاعت چو فیض عشق بر آدم فرو ریخت
(جامی، ۱۳۶۶: ۳۲۴)

جامی بر این باور است که عشق انسان به پروردگار، سایه ای از عشق او به آدمی است:

عشق او تخم عشق ما و شماسست خواستگاری نخست از وی خاست
(همان: ۲۵۰)

۵- خشم، عصبانیت و تنبیه

از مضامین دیگر در آثار عطار و جامی، خشم، عصبانیت و تنبیه است؛ خشم در لغت نامه دهخدا به معنای غضب، غیظ، قهر، سخط، برآشفتگی ذکر شده است. یافته های این مضمون با یافته های مطالعات (Kapogiannis, Barbey, Su, Krueger, & Grafman, 2003; Kapogiannis, Barbey, Su, Zamboni, et al. 2009; Kendler et al. 2003) همسو و مشابه بود. در آن مطالعات نیز مفهوم (Anger و Punish)، بیان شده بود.

گفت حق می گوید این کافر مدام از کجا می خورد تا اکنون طعام؟
(عطار، ۱۳۸۵: ۵۹۷)

ورکنی برپای قهرت مضطرم صد نثار لطف ریزی بر سرم
خوف اگر یک عقبه بنمایی مرا از رجا صد عقده بگشایی مرا
(عطار، ۱۳۸۵: ۲۹۳)

در حکایت سه از مقاله هفتم مصیبت نامه ناظر ظلم پادشاهی هستیم که خانه پیری را ویران می کند و خدا به دعای پیر دردمند، شاه را در قصرش هلاک می سازد:

گفت گر اینجا نبودم ای اله تو نبودی نیز هم این جایگاه؟
حق تعالی کرد آن شه را هلاک در سرای خود فروبردش به خاک
(عطار، ۱۳۸۵: ۲۰۳۷)

خوف اگر یک عقبه بنمایی مرا از رجا صد عقده بگشایی مرا
(عطار، ۱۳۸۵: ۱۴)

صد هزاران ساله طاعت کردنی طوق لعنت می کند در گردنی
(عطار، ۱۳۸۵: ۳)

پروردگار متعال وقتی با خشم و غضب خود با انسان برخورد می کند باز هم صد
چراغ از لطف در روبه روی او قرار می دهد:

از عذاب خویش اگر بیم دهی درس زاری زود تعلیم دهی
ور رهی تاریک پیش آری مرا صد چراغ از لطف خویش آری مرا
(عطار، ۱۳۸۵: ۱۸)

عالمی بود که شب و روز به آموختن علم و طاعت حق مشغول بود. خدا به پیامبر
زمانش وحی فرستاد تا به او بگوید چون دنیادوستی، علم تو اثری ندارد و جای تو جز
دوزخ سوزنده من نیست:

چون تو دنیا دوستی حق ذره ای از تو نپذیرد چه باشی غرّه ای
چون ز دل دنیات دور افکنده نیست جای تو جز دوزخ سوزنده نیست
صد جهان با علم و با معنی به هم دوزخ آرد بار با دنیا به هم
(عطار، ۱۳۸۵: ۱۴۶)

درباره ی تضاد اسما و صفات جلالیه و جمالیه ی خدا باید گفت که هر لطف حق
تعالی همراه با قهر اوست و هر قهرش با لطف. عارفان و عاشقان در گاهش از خوف و رجا
و قبض و بسط لحظه ای در امان نیستند، هر خوفی آبتن لطفی و هر رجایی در پی
دارنده ی خوفی است:

بر تو کس نیست آمر و ناهی همه آن می کنی که می خواهی
نه عطای ترا خطا مانع نه بـلالی ترا ولا دافع
(جامی، ۱۳۶۶: ۶)

جامی خشم خدا با بندگانش را در نظام هستی همواره محسوس دانسته و حتی خشم
پروردگار را در جهان دیگر را نیز توصیف کرده است:

گفت آن روز که از ظلمت خشم پرده شان بسته شود بر دل و چشم
دانش و بینششان کم گردد پشت دینداریشان خم گردد
(همان: ۱۰۱)

جامی در هفت اورنگ به خشم پروردگار مستقیماً اشاره می کند که چنانچه خدا با
خشم با بندگانش بخواهد برخورد کند آنها کالا از صفحه هستی محو می گردند:

چو بر بقعه ای خشم گیرد خدای ازان رگ بجنبانم آن را ز جای
به یک لحظه زیر و زبر سازمش ز بنیاد هستی بر اندازمش
(همان: ۵۱)

۶- هدایت کننده

از مضامین دیگری که در این مطالعه یافت شد، کنترل و هدایت کننده بودن
پروردگار بود. هدایت در لغت به معنی ارشاد و راهنمایی از روی لطف و خیرخواهی است.
راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» می گوید: «هدایت در لغت به معنی ارشاد، راهنمایی و
نشان دادن راه با لطف و مدارا و مهربانی است.» (راغب: ۱۴۰۴) این مضمون با یافته های
مطالعات (Kay, Gaucher, McGregor, & Nash, 2010; Krause, 2010)، مشابهت
داشت و در آن جستار نیز مفهوم (Control)، ذکر شده بود.

آدمی از زمان خلقت تا زمان مرگ همواره در ارتباط با خدا بوده است. انسان بعد از
خلقت و آمدن به عالم خاک به خود واگذاشته نمی شود بلکه پروردگار همواره ناظر بر
تمام مسائل زندگی اوست و در قالب هدایت با انسان ارتباط دارد. جامی به حاکمیت مطلق
پروردگار باور دارد؛ وی بر این اعتقاد است که پروردگار هدایتی عامه و فراگیر دارد و این
حاکمیت با دخالت چیزی از بین نمی رود. این نوع ارتباط با مخلوق که ناشی از هدایت

همیشگی وی به خالق است یکی از صور مشخص از رابطه‌ی عامل و معمول است. پروردگار در محنت و بلا نیز به انسان یاری و تعلیم می‌دهد که با چشم دل، برکات پوشیده در محنت و بلا را مشاهده کند:

شکر چیست؟ از خار گل پنداشتن جزو را نادیده، کل پنداشتن
(عطار، ۱۳۸۶: ۴۱)

جذبه ای بود از عنایت در رسید کفر بگریخت و هدایت در رسید
(همان: ۶۳)

پیغمبر اکرم فرمود: پروردگار فرشتگان را آفرید و در سرشت آنها تنها عقل را نهاد، حیوانات را آفرید و در سرشت آنها تنها شهوت را نهاد، انسان را آفرید و در سرشت او هم عقل را نهاد و هم شهوت را (مطهری، ۱۳۶۱) که عطار عقل دینی که مورد ستایش او بوده و به نوعی راهنمای انسان از طرف خداست اشاره می‌کند:

عقل را قل باید و امر خدای تا شود هم رهبر و هم رهنمای
(عطار، ۱۳۸۵: ۸۶۱)

از دیدگاه جامی هدایت پروردگار نشان دهنده‌ی نوعی ارتباط همیشگی است که هیچ تغییری در آن نیست و هیچ خللی بر آن وارد نمی‌گردد. پروردگار با این حکم ازلی ارتباط خویش را با انسان منقطع نکرده و آدمی با توسل به این دستاویز خویشتن را از هر گونه تقدیر رها ساخته است.

جامی معتقد است گاهی پروردگار از طریق انسان‌های کامل به هدایت انسان می‌آید: جد او مصدر هدایت حق از چنان مصدری شده مشتق
(جامی، ۱۳۶۶: ۱۵۵)

برق هدایت ز سحاب کرم شعله برافروخت علم بر علم
(همان: ۱۹)

و جامی در هفت‌اورنگ خود به مناجات پروردگار پرداخته و به ارتباط پروردگار از طریق هدایت اشاره می‌کند:

گر چه جامی بود از بی خبران چه شود گر به طفیل دگران
بخشی از هستی خویشش خبری بندی از طاعت خویشش کمری
در دلش تخم هدایت کاری بر گلش ابر عنایت باری
(همان: ۲۱)

۷- بخشاینده

از مفاهیم دیگر یافت شده در ارتباط بین انسان و خدا می توان به مفهوم بخشاینده بودن اشاره کرد. بخشنده بودن در فرهنگ معین به معنای عفو کننده و رحم کننده است. این مضمون همسو با یافته های مطالعات (Krause, 2010 و Froese & Bader, 2007) هست و در آن مطالعات ارتباط بین انسان و پروردگار (Forgive)، کشف گردید.

رحمت و مهربانی پروردگار شامل حال تمام بندگان و موجودات می شود او رحمان و رحیم است و بندگان پرهیزگارش را بسیار دوست دارد و رحمت عام او، حتی شامل خطاکاران نیز می شود و در صورتی که توبه کنند، پروردگار تمام گناهان آنها را می بخشد؛ خدا ذات مقدسی که صاحب رحمت و بخشش فراگیر است بر بندگان از مؤمن و کافر و روزی دهنده ایشان است، رحمت وسیع او همه موجودات را فرا گرفته. رحمان و رحیم هر یک صفت مشابه برگرفته از رحم هستند. معنای رحمان، بخشش عام پروردگار است، اما لفظش از اسماء خاصه حق است؛ یعنی هیچ موجودی جز پروردگار به این لفظ نامیده نمی شود. رحمان، نام خالق بلندمرتبه است.

گر چه هست از بخشش آسایشی هیچ بخشش نیست چون بخشایشی
(عطار، ۱۳۸۵: ۲۰)

باز روح از لطف وز بخشش که داشت زود میکائیل را سر برافراشت
(همان: ۴۰)

عطار در مصیبت نامه از زبان برخی که در طلب باران دست به دعا برداشته به ارتباط پروردگار از طریق بخشایش اشاره می کند:

آن همه دریای بخشش کان تراست می نبخشی می نریزی آن کجاست
(همان: ۳)

که به محض کرم بیامرزم از کس نه گرچه کوه البرزم
(جامی، ۱۳۶۶: ۲۵۰)

حول و قوت ز فضل حق بینی گل حکمت ز باغ حق چینی
بخشش محض بینی اش ز خدا بر تو جاری شده ز وهب عطا
(همان: ۹۶)

جامی پروردگار را بخشایشگر دانسته و به انتظار بخشایش گناهکاران اشاره می‌کند:
آمده‌ام با همه آلاشی منتظر بخشش و بخشایشی
(همان: ۱۲)

بنده جامی که در افزایش توست چشم بر بخشش و بخشایش توست
بخششی ورز و ببخشای بر او گر نبخشایی ای وای بر او
از جحیم سخطش ایمن دار در نعیم کرمش ساکن دار
(همان: ۵۴)

نتیجه‌گیری

ارتباط خدا و انسان در آثار عطار و جامی، مفاهیم بسیار مهمی که در جهان هستی نمود دارد، مشهود است که از آن جمله می‌توان به مفاهیم یاری‌دهنده و محافظت‌کننده بودن، عشق، خشم، عصبانیت و تنبیه، کنترل و هدایت‌کننده و بخشاینده بودن را ذکر نمود که می‌توان در راستای پیشرفت معرفت و شناخت به ذات هستی از این مضامین بهره‌مند شد.

به‌طور کلی ساختاری که عطار و جامی آن را برای ارتباط پروردگار با آدمی تبیین کردند نشان‌دهنده میزان عشق خالق نسبت به مخلوق و سیلانیت ارتباط آدمی با پروردگار در تمام لحظات زندگی اش است.

فهرست منابع

۱. بوبر، مارتین (۱۳۹۸)، من و تو، ترجمه ابو تراب سهراب، تهران: فرزانه روز.
۲. تیواری، کدارات، (۱۳۸۱)، دین شناسی تطبیقی، ترجمه مرضیه شنکایی، ویرایش علمی بهزاد سالکی، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۳. جامی، عبدالرحمن (۱۳۶۶). مثنوی هفت اورنگ، تصحیح مدرس گیلانی، تهران: سعدی، چاپ دوم.
۴. جیمز، ویلیام (۱۳۸۷). دین و روان، ترجمه مهدی قائینی. قم: دارالفکر
۵. خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۷). حافظ نامه، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم.
۶. الراغب الاصفهانی، أبی القاسم الحسین بن محمد. (۱۴۰۴ ه.ق). المفردات فی غریب القرآن. دفتر نشر الكتاب.
۷. سروش، عبدالکریم، (۱۳۸۱)، سنت و سکولاریزم، تهران: صراط.
۸. عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۸۶). مصیبت نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن، ج ۲، چاپ سوم
۹. عطار نیشابوری، فریدالدین محمد، (۱۳۸۸)، مصیبت نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ پنجم، تهران: سخن.
۱۰. صارمی، سهیلا (۱۳۷۳)، مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. کوربت، لیونل (۱۳۹۳)، روان درمانی مذهبی، مترجمین سیامک خدا رحیمی و دیگران، چاپ اول، تهران: آراد کتاب.
۱۲. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۵)، مبانی خداشناسی، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
۱۳. مدی، ارژنگ (۱۳۷۲). عشق در ادب فارسی از آغاز تا قرن ششم، چاپ دوم، قم: موسسه تحقیقات و البحوث الثقافیه.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۵۱)، هدف زندگی، چاپ اول؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). گفتارهای معنوی. تهران: صدرا.
۱۶. مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۷۹)، مثنوی معنوی، به سعی و اهتمام رین ولد نیکلسون، تهران: ثالث و همای.
۱۷. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۰)، روان‌شناسی و دین، ترجمه دکتر محمدحسین سروری؛ تهران: سخن.
۱۸. مقالات:
۱۹. ایزوتسو، توشیهو کو (۱۳۴۸)، ارتباط غیرزبانی میان خدا و انسان، معارف اسلامی، شماره ۸، صص ۶۲-۵۱.
۲۰. پژوهنده، لیلیا (۱۳۹۱). رابطه خدا و انسان در ادبیات خدانشناسی و عرفانی با تأکید بر آثار مولوی، نشریه ادب پژوهی، شماره ۲۲، صص ۹۷-۱۲۴.
۲۱. زرگران، ایمان (۱۳۹۸). خدای وحدت وجودی و تصاویر برآمده از آن در آثار منظوم عطار، مجله علمی شعر پژوهی، دانشگاه شیراز، شماره سوم، سال یازدهم، صفحات ۴۲-۱۹.
۲۲. علم مهرجردی، نسرین (۱۳۹۱). رابطه خدا با انسان؛ تمثیل، تجسد یا تجلی؟، دوره ۹، شماره ۲۸، صص ۳۰-۵.
۲۳. غزازی، الهام (۱۳۹۶). رابطه بین انسان و خدا از دید مولانا، اسفار، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۱۱-۱۳۲.
۲۴. صادقی، منصوره السادات (۱۳۹۳). نقش ابعاد اصلی شخصیت در نوع ارتباط با خدا، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، شماره ۱۵، صص ۱۲۶-۱۰۳.
۲۵. لطفی، سید مهدی (۱۳۹۱)، الگوهای ارتباط و حیانی، مجله علمی پژوهشی الهیات تطبیقی، شماره ۷، صص ۷۹-۱۰۰.
26. Froese, P. & Bader, C. D. (2007). God in America: Why theology is not simply the concern of philosophers. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 46, 465-481.
27. Kapogiannis, D. Barbey A. K. Su, M. Krueger, F. & Grafman, J. (2009). Neuroanatomical variability of religiosity. *PLoS ONE*, 4(9), e7180. doi:10.1371/journal.pone.0007180.

28. Kapogiannis, D. Barbey, A. K. Su, M. Zamboni, G. Krueger, F. & Grafman, J. (2009). Cognitive and neural foundations of religious belief. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the U.S.A.* 106, 4876–4881.
29. Kay, A. C. Gaucher, D. McGregor, I. & Nash, K. (2010). Religious belief as compensatory control. *Personality and Social Psychology Review*, 14, 37–48.
30. Krause, N. (2010). God-mediated control and change in self-related health. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 20, 267–287.
31. Popp, C. A. Luborsky, L. Andrusyna, T. P. Cotsonis, G. & Seligman, D. (2002). Relationships between God and people in the Bible: A core conflictual relationship theme study of the Pentateuch/Torah. *Psychiatry: Interpersonal and Biological Processes*, 65, 179–196.
32. WEINGARTEN, Carol P. et al. Relationships between God and people: an interpersonal study of scriptures. *International Journal for the Psychology of Religion*, 2014, 24.2: 133-150.

